

ت و گوی تفصیلی با «اخباربانک»:

# سزى دیپلمات نیست!

■ قوانین نظام بانکی ما منطبق با انقلاب چهارم نیست

هست، بحث‌های درونی است. در بحث‌های درونی هم شرکت‌ها اعلام کردند که فلان توافق را انجام دادیم و فلان شرکت اروپایی نشست و برخاست پیدا کردیم و برخی اصلاح ساختار را پیشنهاد کردند، کم‌اینکه امروز در مورد معدن ارزیابی اقتصاد مهندسی رابه یک شرکت فرانسوی واگذار کردند، اینها زمینه‌هایی است که بازار سرمایه به عنوان یک علامت مثبت به خودش می‌گیرد. بعد از آن نگاه می‌کنید که زمینه، زمینه منفی نیست و چرا افزایش پیدا نکند و چرا این امید میدید نشود؟ هرازگاهی محدودیت‌هایی بر سر راه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس و یا حتی شرکت‌های دیگری که هنوز به بورس نیامدند به وجود می‌آید که باید آنها را رفع کرد و حتی باید جاذبه و میلی ایجاد کرد و آنها را هم به سمت بازار سرمایه کشاند. ما در این مدت شاهد بودیم که تقریباً پذیرش جدیدی نداشتیم و در واقع اگر هم بود خیلی کمی بود و در واقع عددی در مقابل فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی کشور محسوب نمی‌شود و تعداد شرکت‌هایی که در بورس پذیرفته شده، خیلی کم است. باید خیلی گسترش پیدا کند. دولت الان خصوصی سازی را متوقف کرده است و در این دولت خصوصی سازی ندیدیم، نمونه آن را حتی در باشگاه پرسپولیس و استقلال دیدیم که چه اتفاقی افتاد حتی آن موقع طرحی را به آقای پورحسینی عزیز دادم مبنی بر اینکه می‌توان شرکتی با سرمایه ایجاد کرد و پذیره نویسی کنیم تا طرفداران بیایند و سهم باشگاه‌شان را بگیرند. حداقل و حداکثر را تعیین کنیم و طرفداران حداقلش را تحویل بگیرند که این خودش خصوصی سازی به تمام این کار رانمی‌کنیم؟ این یک خصوصی سازی به تمام معناست که این دو باشگاه مردمی به خودشان واگذار کنیم مردمی که در سرما و گرما مطمئناً تیشمان را حفظ خواهند هر جا که بوده با هزینه جیب خودشان سفر رفتند و آمدند و من واقعا شاهد بودم که با چه خستگی و شوری در این جاده‌ها تردد دارند.

■ **سرخابی‌ها را مثال زدید؛ به نظر تان چرا مقاومت وجود دارد که این دو باشگاه خصوصی نشوند؟ طی سال‌های گذشته چند مزایه هم بر گزار شد. به نظر شما دلیل این مقاومت چیست با توجه به اینکه به آقای پورحسینی هم پیشنهاد داده‌اید.**

من فکر می‌کنم که شاید به نوعی می‌خواهند ثروت این تیم بر طرفدار به نوعی دست دولت باشد. برخی از اعضای همین دولت، حتی تمایل بسیار جدی داشتند که خصوصی سازی پس گرفته شود. بنده معاون مدیر اقتصادی بودم و شاهد هستم که عنوان می‌کردند نمی‌شود و باید بررسی کنیم تا ببینیم کجا اشتباه صورت گرفته است! این یعنی مقاومت در برابر خصوصی سازی. برخی از دولت‌مداران، اعتقادی به سیاست‌گذاری ندارند و عادت به بنگاه داری دارند و تمایل دارند که واحدهای بزرگ را بگیرند و مدیر بگذارند تا فرامین خودشان را از آن طریق اجرا کنند. دولت ما هنوز نقش کلیدی خودش را که (۱) سیاست‌گذاری و (۲) نظارت است را اصلاح قبول ندارد و پا به این میدان نگذاشته است و بیشتر تمایل دارد که بنگاهداری کند. آقای پورحسینی چندی پیش در سیما یک سری سخنانی بیان کردند. مبنی بر اینکه یک مقاومت جدی در بین برخی از افراد دولت برای توقف خصوصی سازی وجود دارد و اینکه برخی معتقدند که بعضی از واحدها نباید خصوصی سازی شوند یا حتی واحدهایی که خصوصی سازی شده چرا شده و باید برگردد! البته نه همه تیم دولت ولی برخی از آنها این جهت گیری را دنبال می‌کنند و به همین جهت هم

■ **یعنی در واقع در برابر این مهم هم مقاومت وجود دارد؟**

الان در انقلاب چهارم قرار گرفتیم. انقلاب فرآوری و چابگرهای نسل سوم و سه بعدی. اصلا نگاهی که دنیا در حوزه صنعت دارد در این مجراست. آیا در وزارت صنایع اصلا دفتری برای پاسخگویی به این قضیه تشکیل شده است؟ سطح اطلاعات فناوری بین جوان‌های ما امروز واقعا بالاست. اگر فردی بخواهد فعالیتی را انجام دهد، بانک تسهیلاتی در حوزه فناوری در اختیارش نمی‌گذارد و اصلا برایش تعریف نشده و نمی‌دهند. بانک می‌گوید که باید ماشین‌الات را ببینم که از کجا می‌خواهید بیاورید و بعد از آن نسبت به این طرح و پروژه وام تخصیص دهم! زمین را ببینم و... در واقع قوانین نظام بانکی ما اصلا منطبق با انقلاب چهارم و حتی انقلاب دوم هم نیستیم. یعنی آنقدر عقب‌افتادگی وجود دارد. ثبت شرکت‌ها با این مسائل روبه روست و می‌بینیم که این نقیصه جدی وجود دارد که به سمتی که دنیا حرکت می‌کند، بسترش برای ما فراهم نیست. امروز جوان‌ها بخواهند در حوزه‌های فناوری IT و ITC طرحی ارائه دهند، نمی‌پذیرند. به همین خاطر از لحاظ تکنولوژی عقب خواهیم بود. امروز بعد از برجام مطلبی که همه می‌گویند مبنی بر این است که حداکثر ۴۰ درصد ظرفیت صنعت ما کار می‌کند. ۶۰ درصد سرمایه گذاری ریالی و عددی شده‌اما از آن استفاده نمی‌کنیم. اما اگر همین صنعت را به ۱۰۰ درصد تبدیل کنید آیا می‌توانید بخشی از این محصول را صادر کنید؟ مقایسه کنید محصول را با محصولی که در دنیا وجود دارد. امروز موبایل‌هایی که دست شهروندان افغانستانی است، به روز



صنعت ماکارونی دقت کنیم، خیلی از مردم گرایش به یکی، دو محصول خاص ماکارانی دارند و دنبال آن می‌روند. چون به کیفیت نگاه می‌کنند و قیمت را می‌پذیرند. این یک واقعیت است. در صنایع کشور شاهد این جریان‌هاست و زیاد هستیم که باور نسبت به بحث خصوصی سازی و باور اینکه مردم بتوانند فعالیت اقتصادی انجام دهند را ندارند. به همین دلیل در تمام دولت‌ها فضای کسب و کار را دائما محدود کردند. خیلی جالب است که در جستان به صورت نیم ساعت شرکت ثبت می‌کنند اینجا دولت می‌گوید که ۵ میلیون بیکار تحصیل کرده وجود دارد و به جای اینکه فعالیت‌های فردی انجام دهند، مبادرت به فعالیت‌های شرکتی کنند که درس و شناسنامه دارد و مواردی نظیر مالیات را می‌توانند در آن قالب شکل و قرار دهید. باید زیر بناها و فضای کسب و کار را فراهم کرد تا جوانان بتوانند با انگیزه نسبت به ثبت شرکت اقدام نمایند و وقتی چند جوان برای شروع کسب و کاری با موانع زیادی مواجه باشند چه طور می‌توانند انگیزه کافی و وافی برای شروع یک فعالیت داشته باشند.

■ **یعنی در واقع در برابر این مهم هم مقاومت وجود دارد؟**

الان در انقلاب چهارم قرار گرفتیم. انقلاب فرآوری و چابگرهای نسل سوم و سه بعدی. اصلا نگاهی که دنیا در حوزه صنعت دارد در این مجراست. آیا در وزارت صنایع اصلا دفتری برای پاسخگویی به این قضیه تشکیل شده است؟ سطح اطلاعات فناوری بین جوان‌های ما امروز واقعا بالاست. اگر فردی بخواهد فعالیتی را انجام دهد، بانک تسهیلاتی در حوزه فناوری در اختیارش نمی‌گذارد و اصلا برایش تعریف نشده و نمی‌دهند. بانک می‌گوید که باید ماشین‌الات را ببینم که از کجا می‌خواهید بیاورید و بعد از آن نسبت به این طرح و پروژه وام تخصیص دهم! زمین را ببینم و... در واقع قوانین نظام بانکی ما اصلا منطبق با انقلاب چهارم و حتی انقلاب دوم هم نیستیم. یعنی آنقدر عقب‌افتادگی وجود دارد. ثبت شرکت‌ها با این مسائل روبه روست و می‌بینیم که این نقیصه جدی وجود دارد که به سمتی که دنیا حرکت می‌کند، بسترش برای ما فراهم نیست. امروز جوان‌ها بخواهند در حوزه‌های فناوری IT و ITC طرحی ارائه دهند، نمی‌پذیرند. به همین خاطر از لحاظ تکنولوژی عقب خواهیم بود. امروز بعد از برجام مطلبی که همه می‌گویند مبنی بر این است که حداکثر ۴۰ درصد ظرفیت صنعت ما کار می‌کند. ۶۰ درصد سرمایه گذاری ریالی و عددی شده‌اما از آن استفاده نمی‌کنیم. اما اگر همین صنعت را به ۱۰۰ درصد تبدیل کنید آیا می‌توانید بخشی از این محصول را صادر کنید؟ مقایسه کنید محصول را با محصولی که در دنیا وجود دارد. امروز موبایل‌هایی که دست شهروندان افغانستانی است، به روز

است و نمی‌تواند بپذیرند که با تکنولوژی‌های قدیم کار کند و می‌خواهند که به روز باشند. هر کدامشان حاضرند که پول بیشتری پرداخت کنند و از محصول با تکنولوژی بالا استفاده کنند. همین را در صنایع مختلف ببینید که اکثر صنایع ما قدیمی شده است. متوسط عمر یک تکنولوژی در حال حاضر ۷ سال است. ما حداقل ۱۰ سال در تحریم بودیم و تکنولوژی‌مان را اصلا آپدیت نکردیم. بنابراین اگر بعد از برجام همه این صنعت به آن ظرفیت برسد، بسیاری از کالاها هم در کشور زیاد خواهد شد و در این حال زمینه صادرات آنی کجاست؟ بنابراین ما به لحاظ سطح تکنولوژی عقب هستیم و وقتی برجام مطرح شد این امید در صنعت ما دمیده شده که با حمایتی که از وابستگی به داخل صورت می‌گیرد آنها بتوانند و فرصت کافی برای بازسازی صنعت داشته باشند و بتوانند سطوح تکنولوژی‌شان را به روز کنند. این هم به اعتقاد من به عنوان یک استراتژی می‌تواند برای دولت باشد که سخت است اما این جمعیت‌ها و هیات‌های ۲۰۰ نفره‌ای که از کشورهای مختلف به اینجا می‌آیند، باید محور دولت بر این بوده باشد که سرمایه‌گذاری‌های مشترک را رقم بزنند. هنر ما واردات نیست، هنر ما این است که ارزش‌های مشترک را با این زحمات به دست می‌آید را صرفاً برای واردات تخصیص دهیم و یک عده هم از این به بعد منتظرش باشند و مردم هم احساس کنند که فراوانی کالا است. این اشتباهی است که بوده و دوباره هم داریم تکرارش می‌کنیم. ما باید هر آنچه که نیاز داریم را وارد کشور کرده و به سرمایه‌گذاری مشترک وصل کنیم که بسیار حُسن دارد. با مطالعه کشورهای اروپایی، هر کدام که خواستند تیکافی انجام دهند از طریق سرمایه‌گذاری‌های مشترک بوده و نه سرمایه‌گذاری‌های خودشان که تکاپو نمی‌داده است. در حال حاضر که ما به دنبال رشد اقتصادی بالایی هستیم برای جبران عقب‌افتادگی گذشته، منابع مالی ما تکاپو نمی‌کند و نمی‌توان بیشتر از رشد ۵ درصدی رابه اقتصاد تزریق کنیم و رشد اقتصادی ۵ درصد هم هیچی نیست و هیچ آورده‌ای را برای ما ندارد. باید به دنبال این باشیم که منابع موجود خودمان را با منابع ورودی سرمایه‌گذاری خارجی تلفیق کنیم و بعد به دنبال عملیاتی کردن پروژه‌ها باشیم.

است و نمی‌تواند بپذیرند که با تکنولوژی‌های قدیم کار کند و می‌خواهند که به روز باشند. هر کدامشان حاضرند که پول بیشتری پرداخت کنند و از محصول با تکنولوژی بالا استفاده کنند. همین را در صنایع مختلف ببینید که اکثر صنایع ما قدیمی شده است. متوسط عمر یک تکنولوژی در حال حاضر ۷ سال است. ما حداقل ۱۰ سال در تحریم بودیم و تکنولوژی‌مان را اصلا آپدیت نکردیم. بنابراین اگر بعد از برجام همه این صنعت به آن ظرفیت برسد، بسیاری از کالاها هم در کشور زیاد خواهد شد و در این حال زمینه صادرات آنی کجاست؟ بنابراین ما به لحاظ سطح تکنولوژی عقب هستیم و وقتی برجام مطرح شد این امید در صنعت ما دمیده شده که با حمایتی که از وابستگی به داخل صورت می‌گیرد آنها بتوانند و فرصت کافی برای بازسازی صنعت داشته باشند و بتوانند سطوح تکنولوژی‌شان را به روز کنند. این هم به اعتقاد من به عنوان یک استراتژی می‌تواند برای دولت باشد که سخت است اما این جمعیت‌ها و هیات‌های ۲۰۰ نفره‌ای که از کشورهای مختلف به اینجا می‌آیند، باید محور دولت بر این بوده باشد که سرمایه‌گذاری‌های مشترک را رقم بزنند. هنر ما واردات نیست، هنر ما این است که ارزش‌های مشترک را با این زحمات به دست می‌آید را صرفاً برای واردات تخصیص دهیم و یک عده هم از این به بعد منتظرش باشند و مردم هم احساس کنند که فراوانی کالا است. این اشتباهی است که بوده و دوباره هم داریم تکرارش می‌کنیم. ما باید هر آنچه که نیاز داریم را وارد کشور کرده و به سرمایه‌گذاری مشترک وصل کنیم که بسیار حُسن دارد. با مطالعه کشورهای اروپایی، هر کدام که خواستند تیکافی انجام دهند از طریق سرمایه‌گذاری‌های مشترک بوده و نه سرمایه‌گذاری‌های خودشان که تکاپو نمی‌داده است. در حال حاضر که ما به دنبال رشد اقتصادی بالایی هستیم برای جبران عقب‌افتادگی گذشته، منابع مالی ما تکاپو نمی‌کند و نمی‌توان بیشتر از رشد ۵ درصدی رابه اقتصاد تزریق کنیم و رشد اقتصادی ۵ درصد هم هیچی نیست و هیچ آورده‌ای را برای ما ندارد. باید به دنبال این باشیم که منابع موجود خودمان را با منابع ورودی سرمایه‌گذاری خارجی تلفیق کنیم و بعد به دنبال عملیاتی کردن پروژه‌ها باشیم.

■ **شاخص بورس در سال ۹۴ و با اجرایی شدن برجام رشد را تجربه کرد و پس از آن در سال ۹۵ دوباره نوسانات منفی گریبانگر بورس شد به اعتقاد شما چرا چنین اتفاقی افتاد؟**

این دلایلش به همان دو دلیل عامل داخلی و بیرونی برمی‌گردد. وقتی رئیس کل محترم بانک مرکزی (آقای سیف) در آژانس صحبت می‌کنند و می‌گویند که هیچ دستاوردی نبوده است، چه علامتی به بازار و دنیاست؟ البته

که من سیاستمدار نیستم ولی از حوزه اقتصاد تا حدودی سر در می‌آورم! سابق که تحت فشار قرار می‌گرفتیم در زمان دکتر نوربخش و زمان جنگ چگونه پای مذاکرات توانستیم بدهی‌هایمان را پرداخت کنیم؟ بدهی‌های کشور چطور با گشایش اعتباری که بخش خصوصی انجام داد با سیاست و درایت پرداخت شد؟ من احساس می‌کنم که رئیس کل بانک مرکزی دیپلمات سیاسی نیست که موضوع به این مهمی را علنی کند و بگوید که هیچ دستاوردی نداشتیم! و بلافاصله ۴۸ ساعت بعد به وزیر آفریقای جنوبی در ایران بگوید که ما اصلا در حوزه فعالیت بانکداری بین‌المللی جز با بانک‌های آمریکا با هیچ‌جا مشکل نداریم. واقعا مشکل نداریم و موضوع حل شد؟ یعنی دیگر با بانک‌های بزرگ اروپایی ارتباط داریم؟ این تناقض است و من اصلا جایگاه رئیس کل بانک مرکزی را نمی‌دانم!!! از طرفی می‌توان گفت اعضای محترم دولت اعتقادی به بورس کالا ندارند و می‌گویند باید از جدول بیرون بیاید! در حالی که تازه باید تشویق کنند که محصولات دیگر مثل گندم، برنج و... هم وارد بورس شود و اگر اشکالی هم هست باید برطرف شود. مگر دنیا این کار را نمی‌کند؟ مگر آمریکا و اروپا در بورس‌شان این کار را نمی‌کنند؟ ما چرا می‌خواهیم این زمینه را از بورس بگیریم؟ وقتی دولت پالس‌هایی می‌دهد یعنی دولت فاقد یک برنامه انسجام در حوزه اقتصادی است. وقتی وزیر می‌گوید که ما از سپرده‌های مردم در بانک‌ها می‌خواهیم مالیات بگیریم چون نرخ‌هایشان خوب و بالاتر از تورم است! دولت نگاه می‌کند که کجا می‌تواند پول در بیاورد و نگاهش این است که راحت‌ترین کار را انجام دهد. یک زمان هم از خرید و فروش سهام می‌خواهد مالیات بگیرد، یعنی می‌گویند آنهایی که در یک مدت کوتاهی سود بردند مثلاً در عرض ۳ ماه، باید عددی را به عنوان مالیات پرداخت کنند. من می‌گویم که همه زمینه‌های پایه‌های اقتصاد را درست کنید و بعد بگویید فلان کشور این کار را می‌کند و ما هم به تبعیت فلان کشور آن کار را انجام دهیم. اینجا هیچ‌کدام از بازارهای مادر تعادل نیست. نه در بازار پول و نه بازار سرمایه و نه بازار بیمه که یکی از عقب‌مانده‌ترین بازارهای ایران است و چه خدمتی واقعا به مردم می‌کند؟ یکبار بحث دیه که مطرح می‌شود، بیمه‌ها با چه تبلیغاتی پول‌ها را دریافت می‌کنند و مردم هم فکر کردند که باید ۴۸ ساعته پول دهند و سرریز کردند. بیمه چه کارهایی انجام می‌دهد؟ در اروپا و آمریکا که تضاد می‌کنید با تماس بیمه ماشین دیگری در اختیارشان می‌گذارد. بیمه مسئولیت دارد و خدمت می‌دهد نه اینکه در اینجا با بروز یک اتفاق از کار و زندگی بفتید. موقعیت‌های کاری و زندگی تان دستخوش این اتفاق می‌شود. باید بگویم که مشکل اقتصاد ما تصمیم‌گیری به صورت جزیره‌ای است و در واقع در بسیاری از بخش‌ها ما با عدم انسجام مواجه هستیم.

